

کنش متقابلِ هویت فرهنگی

جامعه‌اطلاعاتی و پویش‌های فرهنگی

فریبرز بیات

از دیدگاه تورن، جنبش‌های جدید اجتماعی که او از آن‌ها به‌عنوان جنبش مقاومت یاد می‌کند، حول چنین چالشی و در تلاش و مبارزه برای به دست گرفتن کنترل تولید اطلاعات شکل می‌گیرند. در مورد آثار و پیامدهای عصر جدید و نقش و کارکرد اطلاعات در زمینه‌های اجتماعی، دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند جامعه‌اطلاعاتی ماهیت مناسبات نابرابر اجتماعی را تغییر نمی‌دهد و فقط ابزار و شکل آن تغییر می‌کند. دارندگان زمین، سرمایه و فناوری به دارندگان اطلاعات و رسانه‌ها تبدیل می‌شوند. اما در مقابل گروهی دیگر معتقدند در عصر ارتباطات و جامعه‌اطلاعاتی ماهیت مناسبات اجتماعی به‌طور کلی تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود، چرا که اطلاعات به‌عنوان منبع و منشأ قدرت در دنیای جدید برخلاف زمین و سرمایه دچار کمیابی و محدودیت نیست و به وفور و فراوان وجود دارد. علاوه بر این، امکان و فرصت دسترسی به اطلاعات نیز برخلاف زمین و سرمایه برای بسیاری از مردم فراهم است. اطلاعات و دانش مرز نمی‌شناسد و کمتر قابل کنترل است. همچنین، توسعه آموزش و رسانه‌ها نیز هم امکان توزیع و نشر گسترده اطلاعات را فراهم آورده و هم دسترسی همه گروه‌های اجتماعی را به اطلاعات راحت‌تر و سریع‌تر کرده است. این وضعیت فرصت برابر فعالیت، مشارکت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز سیاسی، و کسب قدرت را تا حدود زیادی برای اقشار و طبقات مختلف اجتماعی فراهم آورده است.

امانوئل کاستلر نظریه «جامعه شبکه‌ای» خود را بر چنین مبنایی تدوین کرده است. در جامعه شبکه‌ای، روابط رسانه‌ای که تغذیه‌کننده فرهنگ و افکار عمومی است، «شبکه رسانه‌ها» را تشکیل می‌دهد؛ شبکه‌ای که نقاط اتصال آن توزیع‌یون‌های ماهواره‌ای، گروه‌های خبری، استودیوهای تولید فیلم و برنامه‌های سرگرمی، مراکز رایانه‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است.

دنیای آینده چگونه خواهد بود؟ چه نیروهایی این دنیای جدید را شکل می‌دهند؟ رسانه‌ها در شکل‌دهی به دنیای آینده چه نقش و سهمی دارند؟ آثار و پیامدهای اجتماعی این روند چیست؟ آیا جامعه آینده در پرتو فناوری‌های رسانه‌ای به سمت کاهش نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی حرکت می‌کند یا برعکس، فناوری‌های جدید به تشدید و تحکیم نابرابری‌ها کمک می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها قبل از هر چیز لازم است کمی به عقب برگردیم تا بدانیم ما در چه فضایی زندگی می‌کنیم و رسانه‌های نوین چه تغییر و تحولاتی را در جامعه به‌وجود آورده و می‌آورند. جوامع در مسیر تحولشان مراحل را پشت سر گذاشته‌اند. آنچه که امروزه از آن به‌عنوان «عصر اطلاعات» نام برده می‌شود، اعصار و دوره‌های دیگری را پشت‌سر خود دارد. هر کدام از این عصرها، ارزش‌های مقوم و سرمایه و رسانه ویژه خود را دارند. در عصر برده‌داری ارزش اصلی، نیروی کار فیزیکی و بدنی انسان است. در عصر فئودالیت، زمین کشاورزی سرمایه اصلی است. در عصر صنعت این سرمایه و فناوری است که حرف اول را می‌زند و ارزش غالب است. اما در عصر جدید، دانش و اطلاعات سرمایه اصلی است و به دلیل نقش رسانه‌ها در تولید، توزیع و نشر و پخش دانش و اطلاعات، رسانه‌ها جایگاه و نقشی اساسی در این عصر دارند.

آلن تورن، جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، معتقد است چالش اصلی در جوامع، «مابعد صنعتی» نه بر سر تولید کالا که بر سر کنترل رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی است که دانش و اطلاعات را به‌عنوان منبع جدید قدرت تولید می‌کنند. در جامعه صنعتی، مبارزه اصلی بین کارگر و سرمایه‌دار بر سر کنترل تولید بود، اما در جوامع مابعد صنعتی مبارزه اصلی بر سر تاریخ‌مندی است. تاریخ‌مندی از دیدگاه تورن یعنی شناخت فرایندها و پیامدهای جامعه مدرن که از طریق علوم، رسانه‌ها و نشریات صورت می‌گیرد.

ملوچی، با وجودی که این جامعه به شدت با اطلاعات هدایت و کنترل می‌شود، ولی تسلط بر منابع اطلاعاتی به وسیلهٔ یک نفر یا یک نهاد ممکن نیست.

در جامعهٔ اطلاعاتی، اگرچه همه‌چیز به‌وسیلهٔ اطلاعات کنترل و هدایت می‌شود، اما خود اطلاعات به دلیل سیالیت و پراکندگی در اذهان و شبکه‌ها غیرقابل کنترل است. جریان سیال اطلاعات قدرت بازاندیشی افراد را در جامعه به شدت افزایش می‌دهد و هویت افراد پیوسته و مداوم در معرض تغییر قرار دارد.

به‌طور کلی در عصر جدید و جامعهٔ اطلاعاتی، از یک‌سو تمام عرصه‌های زندگی مردم به‌وسیلهٔ اطلاعات به کنترل درآمده و از طرف دیگر، تعداد افراد آگاه، ماهر و آشنا با پیچیدگی‌ها بیشتر شده است. به همین دلیل تن به کنترل نمی‌دهند و جامعه پیوسته با جنبش‌ها و پویای فرهنگی - اجتماعی مواجه است.

مسئلهٔ هویت، پویای فرهنگی و هویتی، و نقش رسانه‌ها به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم و ساختاری در این زمینه، موضوع مشترک بخش عمده‌ای از مطالب، مباحث و گفت‌وگوهای این شماره از «فصلنامهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی» است. با توجه به اینکه چنین مسائلی از جمله چالش‌های اساسی پیش روی جامعه و نسل نوجوان و جوان ماست، از معلمان و دبیران علوم اجتماعی دعوت می‌کنیم، ضمن تأمل در این مباحث با مطالب و مقالات، تجربیات و نقد و نظرات خود مجلهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی را در شکافتن و باز کردن ابعاد و زوایای مختلف این بحث، به‌ویژه در فضای فرهنگی - اجتماعی جامعهٔ ایران، یاری و همراهی کنند.

قدرت نوین در علائم، اطلاعات و تصاویر نهفته است. جوامع نهادهای خود را حول این علائم و اطلاعات سازمان می‌دهند و مردم نیز بر محور آن‌ها زندگی خود را می‌سازند و درباره رفتارهای خود تصمیم می‌گیرند. قرارگاه این قدرت جدید ذهن مردم است. به همین دلیل است که در عصر اطلاعات قدرت در آن واحد حاضر، مشهود و نیز پراکنده و منتشر است. هر کس یا هر چیز که بتواند برندهٔ نبردی باشد که بر سر تصاحب و تسخیر اذهان مردم در می‌گیرد، حاکم خواهد شد. زیرا هیچ آلات و ادوات نیرومند و بی‌روحی نمی‌تواند با اذهانی رقابت کند که حول محور قدرت شبکه‌های انعطاف‌پذیر بسیج شده‌اند.

آلبرتو ملوچی نیز جامعهٔ فراصنعتی را جامعه‌ای پیچیده، متمایز و متکثر می‌داند که ریشهٔ این پیچیدگی «اطلاعات» است. او عقیده دارد در این جامعه امور معیشتی و روزمرهٔ مردم هم «اطلاعاتی» است. بدین معنا که کسب‌وکار، تولید، تجارت، توزیع و مصرف کالاها هم با «تشانه‌های اطلاعاتی» که مردم از وجود آن‌ها از طریق رسانه‌ها، مطلع می‌شوند، انجام می‌گیرد. از دیدگاه

